

Original Article

The Effects of Espionage on Citizenship Rights from the Perspective of Khamseh Religions

Mohammad Anaraki Toodashki¹, Maryam Aghaei Bajestani^{2*}, Mohammad Rohani Moghaddam³

1. PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

2. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran. (Corresponding author) Email: Maqaib@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

Received: 4 Aug 2018 Accepted: 22 Oct 2020

Abstract

Background and Aim: Espionage is one of the Most Important and Fundamental Issues in the Management of Societies in the Current Period. It is Considered by Political Systems Both in the Negative Form That Means the Absence of Spies in Society and in the Positive Dimension That Means the Appointment of Spies to Identify Enemies and Opponents. Thus, the Espionage is Related to the Citizenship Rights as Members of Society. The Present Study Seeks to Examine the Effects of Espionage on Citizenship Rights From the Perspective of Khamseh Religions.

Materials and Methods: This Descriptive-Analytical Article has Been Analyzed by Collecting Materials From Jurisprudential Sources, Verses and Hadiths and Islamic Scholars' Views.

Findings: Espionage is one of the Important Necessities for the Management of the Islamic Society. It Can Organize Desirably the Social and Political Spheres of Citizens' Lives Given the Circumstances in the Sharia and Khamseh Religions, Without Undue Interference in Citizens' Lives, Basing the Principle of Public Security and the Management of the Islamic Society, Policing Based on Justice and Citizenship Rights, Confrontation With the Disclosure of Intelligence and Military Secrets of the Islamic Society and Confrontation With Spies and Enemy Agents. At the Same Time, Preserving the Honor of the Believers and Also Creating Friendship is one of the Principles of Politics in Islam and the Khamseh Religions.

Conclusion: The Citizens and Society Security is a Central Issue for the Khamseh Religions in Islam, Which is Focused on Individual and Social Areas. Considering the Internal and External Threats of the Islamic Society and the Necessity of Protecting It, is one of the Reasons For Paying Attention to the Espionage in Social Life. Also Confronting the Spy Who Endangers the Islamic State is Based on Law and Sharia and Supports a Peaceful Life Among the Citizens.

Keywords: Citizenship Rights; Khamseh Religions; Islam; Justice

Please Cite This Article As: Anaraki Toodashki M, Aghaei Bajestani M, Rohani Moghaddam M, Shekarchizadeh M, Zamani M. The Effects of Espionage on Citizenship Rights from the Perspective of Khamseh Religions. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2018; 333-343.*

آثار جاسوسی بر حقوق شهروندی از منظر مذاهب خمسه

محمد انارکی تودشکی^۱، مریم آقایی بجزستانی^{۲*}، محمد روحانی‌مقدم^۳

۱. دانشجوی دکتری تخصصی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

Email: Maqaib@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۳ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۱

چکیده

زمینه و هدف: جاسوسی یکی از مسائل مهم و اساسی در اداره جوامع در دوره کنونی است و هم در شکل سلبی یعنی نبود جاسوس در جامعه و هم در بُعد ایجابی یعنی گماشتن جاسوس برای شناسایی دشمنان و مخالفان مورد توجه نظام‌های سیاسی است. بنابراین جاسوسی با حقوق شهروندان به عنوان افراد جامعه ارتباط پیدا می‌کند. پژوهش حاضر درصدد است تا آثار جاسوسی بر حقوق شهروندی را از منظر مذاهب خمسه مورد توجه قرار دهد.

مواد و روش‌ها: روش مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی است که با گردآوری مطالب از منابع فقهی، آیات و روایات و دیدگاه‌های اسلام‌شناسان جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شده است.

یافته‌ها: جاسوسی یکی از ضرورت‌های مهم برای اداره جامعه اسلامی است که با در نظر گرفتن شرایط مطرح شده در شرع و مذاهب خمسه، بدون دخالت ناروا در زندگی شهروندان، مبنا قرار دادن اصل امنیت عمومی و اداره جامعه اسلامی، سیاست‌ورزی بر مبنای عدالت و حقوق شهروندی، مقابله با فاش شدن اسرار اطلاعاتی و نظامی جامعه اسلامی و مقابله با جاسوسان و عوامل دشمن می‌تواند حوزه اجتماعی و سیاسی زندگی شهروندان را به نحو مطلوبی سامان بخشد. ضمن اینکه حفظ آبروی مؤمنان و ایجاد الفت و دوستی یکی از اصول سیاست‌ورزی در اسلام و مذاهب خمسه است.

نتیجه‌گیری: امنیت شهروندان و جامعه مسأله‌ای محوری در نزد مذاهب خمسه در اسلام است که معطوف به حوزه‌های فردی و اجتماعی است. در نظر گرفتن تهدیدات درونی و بیرونی جامعه اسلامی و ضرورت حراست از آن، ازجمله دلایل توجه به مسأله جاسوسی در زندگی اجتماعی است. ضمن اینکه مقابله با جاسوسی که کیان اسلامی را به خطر می‌اندازد، بر مبنای قانون و شرع صورت می‌گیرد و پشتوانه زندگی مسالمت‌آمیز میان شهروندان است.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی؛ مذاهب خمسه؛ اسلام؛ عدالت

مقدمه

جاسوسی، مفهومی در فقه و حقوق موضوعه است که ناظر به فعالیت پنهانی یا نادرست کسی است که به گردآوری و انتقال اطلاعات می‌پردازد. فرد جاسوس با شرایطی که در فقه و حقوق مقرر است، به عنوان مجرم شناخته می‌شود و بسته به نوع فعالیت، محکومیت‌هایی برای او منظور می‌گردد. امروزه جاسوسی از مصادیق بارز جرایم علیه امنیت شهروندان است که در سطح فراملی صورت می‌گیرد و در آن اطلاعات حیاتی یک کشور از طریق یک نظام سازمان‌یافته و منابع انسانی نه ابزاری مثل ماهواره‌های اطلاعاتی کشورها در اختیار کشورهای دیگر قرار می‌گیرد. بسیاری از کشورها سازمان‌های جاسوسی گسترده‌ای به وجود آورده‌اند که به وسیله آنها چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح، به جمع‌آوری اطلاعات و اسرار از کشورهای دیگر می‌پردازند.

به نظر می‌رسد بر مشروعیت جاسوسی در دوران مخاصمات مسلحانه تردیدی وارد نیست و این حق دول متخاصم است که به اطلاعاتی از دولت مقابل دسترسی داشته باشند و هیچ مسئولیت بین‌المللی نیز بر این اقدام مترتب نیست و تاکنون هیچ‌یک از محاکم بین‌المللی مخصوصاً دیوان‌های بین‌المللی کیفری در احکام صادره مسئولیتی برای دول متخاصم در به‌کارگیری جاسوسان قائل نشده‌اند. در هر صورت، مسأله جاسوسی ارتباط گسترده‌ای با زندگی شهروندان و از جمله حقوق شهروندی آنان دارد. از جمله اینکه می‌تواند تهدیدی برای امنیت آنان تلقی شود و یا در صورت استفاده از ابزار جاسوسی و شناسایی مجرمین توسط دولت‌ها، امنیت آنان به نحو مطلوبی برقرار شود. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی آثار جاسوسی بر حوزه حقوق شهروندی است تا از این طریق رویکرد جدیدی در حوزه امنیت اجتماعی و انسانی ایجاد شود.

پیشینه تحقیق

تحقیقات مرتبط با مسأله جاسوسی در نزد فقها و محققان گسترده است که به برخی از آنها پرداخته می‌شود:

احمد میانجی طی سلسله دروسی احکام تجسس، خطرات و آفات شرعی و عقلی آن را مطرح نمود. عباسعلی عمید

زنجانی با تدوین ده جلد کتاب تحت عنوان «فقه سیاسی» در بخشی از آن پیرامون موضوع مبانی فقهی جاسوسی مطالبی را عنوان نمود. علی دغموش از علماء لبنان با تألیف کتابی سه‌جلدی تحت عنوان «موسوعه‌الاستخبارات» پیرامون موضوع تجسس مطالبی را بیان نمود. احمد عابدی برای اولین بار در حوزه علمیه قم اقدام به برگزاری درس خارج فقه (تجسس) کرد و بحث جاسوسی و احکام آن را مطرح نمود. احسان علی‌اکبری بابوکانی (۱۳۹۱) با تدوین کتابی تحت عنوان «جاسوسی از حریم خصوصی افراد در فقه امامیه» مبانی و ادله حکم حرمت جاسوسی و قلمرو این ادله و مصادیق و موارد مشروع جاسوسی و مبانی آنها براساس ادله احکام در فقه امامیه را مورد بررسی قرار داده است. نجم‌الدین طبسی (۱۳۹۳) در کتابی تحت عنوان «مبانی فقهی جاسوسی» حکم شرعی جاسوسی و معیارها و شرایط مربوط به مبانی فقهی جاسوسی را از دیدگاه فقهای شیعه امامیه و اهل سنت مطرح کرده و حکم جاسوسی کردن مسلمانان برای حکومت اسلامی، جواز یا عدم جواز شکنجه افراد جاسوس برای اعتراف گرفتن از آنان، حکم جاسوسی بنابر مصلحت نظام اسلامی و برخی از فروعات فقهی را بررسی نموده است. مهدی بیات مختاری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «محدوده‌های جاسوسی برابر نظر قرآن و روایات» پیرامون موضوعاتی از قبیل کاربرد این واژه در قرآن کریم، نکوهش جاسوسی در امور شخصی دیگران، جاسوسی از نقطه نظر روایات، ممنوعیت و حرمت جاسوسی، سرچشمه اخلاق رذیله جاسوسی و موارد جواز و وجوب جاسوسی مطالبی را عنوان نموده است. رضا جعفری نوقاب (۱۳۹۵) با تدوین مقاله‌ای تحت عنوان «الگوی جاسوسی در عصر پیامبر اکرم (ص)» پیرامون اهمیت و ارزش جاسوسی از نگاه پیامبر اکرم (ص)، سیره جاسوسی پیامبر (ص) در مکه و مدینه، انتخاب افراد ویژه برای جاسوسی در عصر پیامبر (ص)، جاسوسان دشمن در میان مسلمانان و ... مطالبی را عنوان نموده است. مصطفی صادقی (۱۳۹۴) در مقاله «سیره معصومان در جاسوسی و کشف توطئه‌های دشمنان» درباره شیوه‌های جاسوسی از دیدگاه ائمه اطهار، تاریخچه نظری این بحث در عصر ائمه، نفوذ شیعیان در دستگاه خلافت، بررسی

افراد نفوذی (در زمان ائمه) به دستگاه خلافت و ... مطالبی را عنوان نموده است.

با عنایت به پژوهش‌های مذکور و محوریت قرار دادن مبحث جاسوسی در نزد فقهای اسلامی، پژوهش حاضر به بررسی آثار جاسوسی بر حیطة حقوق شهروندی می‌پردازد و جنبه‌های سلبی و ایجابی مرتبط با جاسوسی و آثار آن بر حقوق شهروندی را مطمح نظر قرار می‌دهد.

جاسوس

واژه عربی تجسس در اصل به معنای «با دست لمس کردن» و مجازاً به معنای «نگاه کردن از سر کنجکاو برای شناسایی دیگران» است (۱). در ادبیات فارسی، تجسس از واژه جستن برمی‌خیزد که به معنای گشتن به دنبال چیزی، شیئی و یا مسأله‌ای است. معنای اصطلاحی تجسس در متون اسلامی و فقه اسلامی از مفهوم لغوی آن چندان دور نیست (۲)، البته در برخی منابع فقهی اهل سنت مراد از تجسس، تفتیش و جست‌وجوی اخبار مخفی و اطلاعات سری دشمنان به قصد آگاهی یافتن از آنها ذکر شده است (۳).

حقوق شهروندی

حقوق شهروندی از مفاهیم جدیدی است که در عرصه تحولات سیاسی و اجتماعی معاصر مورد توجه قرار گرفته است. هرچند این مفهوم و عناصر آن، پیش‌تر نیز در نزد ادیان و مکاتب سیاسی و فلسفی به چشم می‌خورد، اما امروزه مجموعه حقوق شناخته شده هر ملتی است که در یک سرزمین مشخص و تحت لوای قانون اساسی زندگی می‌کنند. حقوق شهروندی در واقع حقوق سیاسی، اجتماعی، مدنی، فرهنگی و اقتصادی را دربر می‌گیرد (۴).

مبانی نظری تحقیق

در قرآن کریم واژه جاسوس تنها یک بار به صورت «ولاتجسسوا»، آمده است (۵). مفسران مراد از تجسس را در این آیه تفتیش کردن اسرار و امور مخفی مؤمنان دانسته‌اند (۶). از این جهت، جاسوسی هنگامی که بر علیه مسلمانان و

جامعه اسلامی به کار گرفته می‌شود، امری مذموم و محکوم است که می‌بایست ابعاد و زوایای آن بر حاکم اسلامی و اداره‌کنندگان جامعه روشن شود. دلایل و مستندات روایی و فقهی مختلفی وجود دارند که جاسوسی را امری مذموم شمرده و بر برخورد قاطع با عاملان آن تأکید کرده است. ضمن اینکه در سوی مقابل، برای مقابله با تهدیدات جامعه اسلامی، پرده برداشتن از اسرار دشمن و جاسوسی مورد توجه رسول گرامی اسلام (ص) و ائمه (ع) نیز بوده است. در هر صورت، از نظر آموزه‌های دین اسلام، از جمله شروط ایمان عدم دخالت و تحقیق بی‌جا در امور مسلمانان است و با صیغه نهی که آمده دلالت بر حرمت تجسس می‌کند و حتی بر اساس آیه زیر می‌توان به گناه کبیره بودن آن حکم کرد:

«کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم باایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنها در دنیا و آخرت است» (۵)، زیرا یکی از راه‌های تشخیص کبیره بودن گناه آن است که در قرآن یا روایت، وعده عذاب الیم و سخت در مورد آن داده شود.

بررسی‌ها نشان می‌دهند که هیچ معادل صریحی برای جاسوسی در قرآن یافت نمی‌شود، بلکه مفسران در بیان مصادیق خیانت و نیز تولی نسبت به دشمنان با استناد به پاره‌ای شأن نزول‌ها به این موضوع اشاره کرده‌اند که از جمله می‌توان به سنن ابی‌داوود اشاره نمود.

«بَعَثَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله - بُسْبَسَةَ عَيْنَا يَنْظُرُ مَا صَعَتْ عَيْرُ أَبِي سَفِيَانَ». «پیامبر (ص) بُسْبَسَه را به عنوان جاسوس فرستاد تا ببیند کاروان ابوسفیان چه می‌کند» (۷).

در «التاج‌الجامع للأصول» نقل شده که پیامبر اسلام (ص) در جنگ احزاب فرمود: «مَنْ يَأْتِينَا بِخَبَرِ الْقَوْمِ؟ فَقَالَ الزُّبَيْرُ: أَنَا، قَالَهَا ثَلَاثًا وَ يُجِيبُهُ الزُّبَيْرُ، ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ حَوَارِيٍّ وَ إِنَّ حَوَارِيَّ الزُّبَيْرِ». «چه کسی حاضر است از آنان (دشمن) برای ما خبر بیاورد؟ زبیر عرض کرد: من. پیامبر سه بار سخن خود را تکرار کرد و هر بار زبیر اظهار آمادگی کرد. آنگاه پیامبر (ص) فرمود: هر پیامبری حواری‌ای دارد و حواری من زبیر است» (۸).

در حدیثی از امام رضا (ع) آمده است: «كان رسول الله (ص) اذا بعث جيشاً فأتهم أميرا - يا فأتهم أميرا - بعث معهم من ثقاته

هرچند قوانین و مقررات هر جامعه‌ای ملاک تعیین حقوق شهروندان در ارتباط با یکدیگر و با حکومت هستند، اما برخی مواقع، مسائل و موضوعاتی در حوزه‌های امنیت جامعه پدید می‌آیند که نیازمند بهره‌گیری از ابزار جاسوسی برای رتق و فتق امور شهروندان است. باز در همین زمینه امام علی (ع) می‌فرماید: «ثُمَّ تَفَقَّدَ أَعْمَالَهُمْ، وَأَبْعَثَ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ، فَإِنْ تَعَاهَدَكَ فِي السِّرِّ لِأُمُورِهِمْ حَدْوَةَ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ، وَالرِّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ»، «با فرستادن مأموران مخفی از افراد راستگو و باوفا، اعمال کارمندان و کارکنان را زیر نظر بگیر، زیرا جستجوی مداوم و پنهانی نسبت به کارهای آنها سبب تعقیب امانتداری و مدارا کردن نسبت به زیردستان می‌شود» (۱۴). همین رویه در سیره امام حسن (ع) نیز قابل مشاهده است. روایت شده وقتی که امام حسن (ع) در حال عزیمت از مدینه به مکه و سپس به سوی کربلا بود، تقاضای برادرش محمد حنیفه، مبنی بر همراهی ایشان را نپذیرفت و خواستار آن شد که در منزل بماند و از امور داخلی سرکشی کند تا خطری متوجه اداره جامعه نباشد. همچنین روایت شده است که امام (ع) فرمودند: «أَمَا أَنْتَ فِلا، عَلَيْكَ أَنْ تَقِيمَ بِالْمَدِينَةِ وَ تَكُونَ لِي عَيْنًا لَا تَخْفَعُنِي شَيْئًا مِنْ أُمُورِهِمْ»، «اما تو همراه من نیا، در مدینه بمان و چشم من در آنجا باش تا چیزی از اخبار دشمنان بر من مخفی نماند» (۱۵).

بدین ترتیب جایگاه جاسوسی، آثار و پیامدها و چگونگی بهره‌گیری از آن مورد توجه فقهای اسلام بوده است که از دیرباز با کندوکاو در سیره رسول گرامی اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) به دنبال پیدا کردن راهی برای پاسخگویی به چالش‌های جامعه اسلامی بوده‌اند.

آثار جاسوسی بر حقوق شهروندی

آثار جاسوسی بر حقوق شهروندی عبارتند از:

۱. مدیریت جامعه و امنیت عمومی برای شهروندان

یکی از اهداف اساسی دولت‌ها و نظام‌های سیاسی، مدیریت جامعه و تأمین امنیت عمومی برای شهروندان است. این مسأله یکی از ابعاد اساسی حقوق شهروندی است و

من یتجسس له خیره»؛ پیامبر اکرم (ص) هنگامی که لشکری را می‌فرستاد و امیری بر آنها می‌گماشت (که ممکن بود گاهی مورد اتهام واقع شود) همراه او یکی از افراد مورد اعتماد را می‌فرستاد تا اخبار او را جستجو کرده و به پیامبر گزارش دهد (۹). در حدیث دیگری از انس بن مالک نقل شده است که پیغمبر اکرم (ص) شخصی از یارانش را به عنوان مأمور اطلاعاتی فرستاد تا خبرهایی از قافله ابوسفیان برای او بیاورد (۱۰).

شواهد تاریخی نشان می‌دهند که امیرمؤمنان علی (ع) نیز در اداره جامعه توجه خاصی به مأموران اطلاعاتی و جاسوسی می‌نمود. پیش از فتح مکه پیامبر (ص) سپاه عظیمی را فراهم کرد تا به سوی مکه حرکت کند و تصمیم بود این قضیه به صورت سری انجام گیرد. یکی از مسلمانان به نام «حاطب بن ابی بلعته» نامه‌ای خطاب به سران مکه نوشت و تصمیم پیامبر (ص) را گزارش کرد و آن را به دست زنی سپرد تا مشرکان را از قصد پیامبر (ص) برای فتح مکه آگاه کند. آنگاه پیامبر (ص) به وسیله جبرئیل از این ماجرا آگاه شد و امیرالمؤمنین (ع) را نزد خود فراخواند و فرمود: خود را به آن زن برسان، نامه را از او بگیر و نزد من بیاور. پس از آن، پیامبر (ص) زبیر را نیز فراخواند و به او فرمود: در این کار علی بن ابی‌طالب (ع) را همراهی کن. آن دو بیراهه حرکت کردند و در محلی آن زن را یافتند. زبیر پیش‌دستی کرد و از زن درباره نامه سؤال کرد. آن زن به دروغ سوگند یاد کرد که نزد او نامه‌ای نیست و زبیر باور کرد. بعد امیرالمؤمنین (ع) شمشیر را بیرون آورد و خطاب به او فرمود: «قسم به خدا چنانچه نامه را بیرون نیاوری گردنت را خواهم زد». زن که چاره‌ای جز بیرون آوردن نامه نداشت، نامه را از لای موه‌های خود بیرون کشید. امیرالمؤمنین (ع) نامه را از وی گرفت و نزد پیامبر (ص) برد (۱۱). این داستان را بخاری در صحیح خود و فخر رازی در تفسیر خود، همچنین در تفسیر روح‌المعانی و روح‌البیان و فی‌ظلال، قرطبی و مراغی و دیگران با تفاوت‌هایی نقل کرده‌اند (۱۲). در سنن بیهقی افزون بر آنچه گذشت، مطابق با نقل بیهقی، روایت به صراحت جواز جاسوسی و تجسس را می‌رساند. لکن براساس نقل نخست، از راه دیگری می‌توان مفهوم تجسس و تفتیش را استنباط کرد و آن اینکه تنها پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) از این ماجرا خبر داشتند (۱۳).

همین مسأله درباره ضرورت مقابله با جاسوسی در جامعه اسلامی نیز مورد توجه است. بنابراین اثبات امر جاسوسی و اتخاذ جرایم برای آن نیازمند غور و تفحص است که در صورت عدم توجه به آن، هم اصل امنیت جامعه خدشه‌دار می‌شود و هم اینکه نمی‌توان تهدیدات علیه جامعه اسلامی را به خوبی شناسایی نمود.

امام صادق (ع) در پاسخ به این پرسش که آیا قاضی می‌تواند براساس گفته گواهان ناشناس حکم دهد، بدون آنکه درباره آنان پرس‌وجو کند؟ فرمودند: «خَمْسَةُ أَشْيَاءَ يَجِبُ عَلَى النَّاسِ أَنْ يَأْخُذُوا بِهَا ظَاهِرَ الْحُكْمِ: الْوَلَايَاتُ، وَ التَّنَاقُحُ، وَ الْمَوَارِيثُ، وَ الذَّبَائِحُ، وَ الشَّهَادَاتُ، فَإِذَا كَانَ ظَاهِرُهُ ظَاهِرًا مَأْمُونًا جَازَتْ شَهَادَتُهُ، وَ لَا يُسْأَلُ عَنْ بَاطِنِهِ». «پنج مورد است که مردم باید در آنها به ظاهر حکم عمل کنند: ولایت و سرپرستی، زناشویی، ارث و میراث، ذبایح و شهادت دادن. اگر ظاهر فرد، درست و درخور اطمینان بود گواهی‌اش جایز است و نباید از باطن او پرس‌وجو کرد» (۱۷).

۲. نظارت بر عملکرد حاکمان و مدیران

در نظر گرفتن شرایط و معیارهایی برای نظارت بر عملکرد حاکمان بخش مهمی از فرایند تحقق حقوق شهروندی محسوب می‌شود. بنابراین توجه به مسأله جاسوسی تنها به معنای مقابله با جاسوسی در جامعه اسلامی نیست، بلکه از جنبه ایجابی و بهره‌گیری از این روش برای اصلاح امور جامعه اسلامی نیز می‌توان بهره برد. در نامه مالک‌اشتر اشاره روشنی به این مطلب شده که امیرمؤمنان (ع) به او دستور می‌دهد که مأموران اطلاعاتی خود را برای بررسی حال کارمندان و کارکنان، مخفیانه بفرستد به گونه‌ای که آنان احساس کنند که دائماً چشم‌هایی از نقطه نامعلوم مراقب کار آنها است (۱۴). ازجمله دلایل استفاده از جاسوسی در این زمینه نظارت پنهان بر عملکرد حاکمان است که عدم توجه به چنین سازوکارهایی می‌تواند باعث گسترش بی‌بندوباری و ظلم مسؤولین بر مردم شود. ضمن اینکه جاسوسی در جهت اهداف متعالی، باعث رصد اوضاع و احوال اقشار مختلف مردم است تا در این مسیر مشکلات و نیازمندی‌های همگانی جامعه تحت نظر و مراقبت

ازجمله ابزارهای آن مقابله با تهدیداتی است که آشکار نیستند و در قالب جاسوسی و با لباس دوستی، ضربات سهمگینی بر افراد و آحاد جامعه وارد می‌سازند. بر همین اساس ضرورت دارد تا با شناسایی این افراد و مقابله با این تهدیدات، حقوق شهروندان را از حیث امنیت عمومی برقرار نمود. آیه شریفه به همین مسأله اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَ أَنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خَشْبٌ مُسْنَدَةٌ يَحْسُبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ فَاتْلَهُمْ اللَّهُ أَنْسَى يُؤْفِكُونَ». «هنگامی که آنها را می‌بینی، جسم و قیافه آنان تو را در شگفتی فرو می‌برد. اگر سخن بگویند، به سخنانشان گوش فرا می‌دهی، اما گویی چوب‌های خشکی هستند که به دیوار تکیه داده شده‌اند! هر فریادی بلند شود بر ضد خود می‌پندارند؛ آنها دشمنان تو هستند، از آنان برحذر باش! خدا آنها را بکشد، چگونه از حق منحرف می‌شوند؟!» (۵).

برخی مفسران، «حذر» را به معنای بیداری و آمادگی در برابر دشمنان تعبیر کرده‌اند (۱۶). به نظر می‌رسد این هوشیاری و بیداری به معنای اشراف بر نقشه‌های دشمن از حیث برطرف ساختن توطئه‌ها و دسائس آنان است که در نهایت آسیب‌های جدی بر حقوق شهروندی وارد می‌سازند. این هدف هنگامی تحقق پیدا می‌کند که بتوان قدرت نظامی و اطلاعاتی جامعه را به نحو چشمگیری افزایش داد تا دشمنان نتوانند به اهداف خود مبنی بر ناامن ساختن جامعه اسلامی دست پیدا کنند. پشتوانه این قدرت و توانایی نیز آیات قرآن است که از جمله در سوره انفال بیان شده است: «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوُّ اللَّهِ وَ عَدُوُّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لِاتَّعْلَمُوهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ». «هر نیرویی در قدرت دارید برای مقابله با آنها (دشمنان) آماده سازید و اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد و هرچه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، به‌طور کامل به شما باز گردانده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد».

مسائل مهم سیاسی و امنیتی که در صورت فاش شدن می‌تواند ضربات سنگینی بر پیکره جامعه وارد سازد. بنابراین مشاهده چنین نشانه‌هایی مصداق شانه خالی کردن از تکالیف امت اسلامی است، زیرا بر امت اسلامی لازم است که اسرار یکدیگر را حفظ کنند و در مواقع ضروری از یکدیگر پشتیبانی نمایند و شرایط را برای تحقق آرمان‌های اسلامی فراهم سازند. فاش کردن اسرار در زمینه‌های مختلف نظامی، اطلاعاتی و امنیتی، مصداق خیانت در امانت و برملا ساختن اسرار جامعه اسلامی است. بنابراین مؤمنان نه تنها باید حافظ جان، مال و اسرار یکدیگر باشند، بلکه نباید در امانت خیانت کنند. عقل سالم و فطرت پاک انسانی نمی‌تواند چنین خیانت‌هایی را بپذیرد و حقوق شهروندان را نقض نماید. پس تعهد در قبال سایر شهروندان و بیدار کردن فطرت و ذات انسانی امری مهم و اساسی در تحقق حقوق شهروندی است.

بدین ترتیب جاسوسی در پاره‌ای از مواقع که از سوی افراد در جامعه اسلامی انجام و باعث لو رفتن اطلاعات و اسرار آن جامعه می‌شود، نهی شده است. بنابراین عدم جاسوسی (جنبه سلبی آن) نیز با حقوق شهروندان مرتبط است. قرآن کریم آنگاه که از آسیب‌های اخلاقی و شخصیتی انسان‌ها سخن می‌راند، تجسس در امور زندگی شخصی دیگران را یاد می‌کند و ایمان آوردگان را از استمرار این رفتار ناپسند اخلاقی بر حذر می‌دارد.

آیه ۱۲ سوره حجرات می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیراً من الظن ان بعض الظن اثم و لاتجسسوا و لا یعتب بعضکم بعضاً» (۵) با توجه به آیه فوق، خداوند به صراحت تجسس و کندوکاو در امور شخصی مسلمانان را نهی کرده و از دیگران نیز خواسته تا به دنبال کشف اسرار دیگران نباشند. درواقع منشأ اصلی انحراف در این زمینه، همان سوءظن آغازین است که باعث می‌شود انسان نسبت به برخی امور با قاطعیت سخن بگوید که درواقع چنین نیست و یا پیشداوری کند. همان‌طور که با رواج یافتن تجسس، اسرار دیگران نیز برملا می‌شود و باعث پی بردن به عیوب نهفته آنان خواهد شد. بر این اساس، تجسس در امور دیگران می‌تواند جزء محرّمات در نظر گرفته شود، مگر اینکه در برخی موارد

دقیق قرار گیرد. به منظور آنکه کنترل و نظارت و مهم‌تر از آن مسأله گردآوری اخبار و اطلاعات، دچار آشفتگی و هرج و مرج نگردد؛ ضرورت دارد این مسئولیت در چارچوب قوانین اسلامی به نهادها و مجموعه‌های شایسته و عادلانه که از همه جهات دارای صلاحیت باشد، واگذار شود.

۳. جاسوسی به مثابه خیانت به جامعه اسلامی

جاسوسی تنها از حیث ایجابی مورد بحث نیست، بلکه مقابله با روش‌هایی که در زمره جاسوسی هستند و امنیت و آرامش جامعه اسلامی را برهم می‌زنند، مورد توجه است. به علاوه اینکه افشا کردن اسرار اطلاعاتی جامعه که به هر نحوی باعث ضرر و زیان به دیگران شوند، می‌تواند نوعی جاسوسی تلقی شود که خود نیز خیانت محسوب می‌شود. برخی آیات قرآن کریم به این موضوع اشاره می‌کنند. در آیه ۲۷ سوره انفال خداوند مؤمنان را از خیانت به خدا، رسول و امانت‌های خود بازداشته است: «یا ایها الذین آمنوا لا تخونوا الله و الرسول و تخونوا امنتکم و اتمتعن تعلمون» (۵). بنابراین جاسوسی می‌تواند باعث خیانت به جامعه اسلامی، فاش کردن اسرار برای دشمنان و ضربه زدن به مسلمانان شود.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان بیان می‌دارد: «خیانت در امانت نوعی نقض حقوق محسوب می‌شود. یعنی چیزی که در ابتدا مورد توافق طرفین قرار گرفته و سپس شکسته شود. پس خیانت نوعی مخالفت نهانی است که با شکستن عهدهی آغاز می‌شود و خود نشانگر نوعی نفاق است. با توجه به آیه فوق، نهی واحدی دیده می‌شود که درواقع خیانت را کلی می‌داند و حتی خیانت در امانت خدا و رسولش می‌باشد، زیرا آنچه تحت عنوان فرائض مطرح می‌شود، امانت خدا در نزد مردمان است که توسط رسول گرامی اسلام (ص) به مردم اعلام می‌شود. همچنان که برخی از فرائض از جمله احکام شرعی منحصراً تحت اختیار رسول گرامی اسلام است» (۱۸). نظیر آنچه در قالب سیره و سنت حسنه پیامبر اسلام (ص) مطرح می‌شود و یا آنچه میان خود مردم جاری است و اموال و اسرار خود را میان یکدیگر می‌سپارند. همچنین برخی دیگر از امانت‌ها میان مردم مشترک است و از آن بهره می‌برند؛ مانند دستورات سیاسی و اجتماعی نظیر جهاد، اسرار جنگی و

هتک مستور مردم خودداری کنند. در غیر این صورت، دیر یا زود زشتی‌های خودشان نمایان می‌شود، زیرا با حاکمیت رویه ناصواب جست‌وجوگری در احوال شخصی دیگران، جامعه بستر تصفیه حساب‌های شخصی و سیاسی گشته و هرکس و گروهی می‌کوشد تا اعتبار و منزلت دیگری را زیر سؤال ببرد.

با توجه به آثار سوئی که برای امر تجسس و کندوکاو در زندگی دیگران مترتب است، کشف و تلاش برای پی بردن به اسرار مردم، نوعی هتک ناموس الهی است، زیرا خداوند متعال نیز غیور است و هرگز پسندیده نیست که آبروی مردم جامعه اسلامی که به‌عنوان شهروند شناخته می‌شوند، در خطر بیفتد. بنابراین در صورتی که بندگان بدون توجه به این مسأله، آبروی دیگری را ببرند و اسرار مردم را برای دیگران بازگو کنند، رسوای عالم خواهند شد و در نظر خدا منزلتی ندارند (۲۰).

اسلام مسلمانان را از هرگونه جست‌وجوگری در زندگی خصوصی دیگران باز می‌دارد، زیرا در جامعه اسلامی، باید هر شهروندی در آشیانه خود احساس امنیت و آسایش داشته باشد. درواقع، این وظیفه حاکمان مسلمان است که عناصر خودسر و حریم‌شکن را از آلودگی به ارتکاب محرمات الهی در عرصه جامعه بازدارند.

امام خمینی (ره) با اشاره به حدیثی که غیبت‌کننده و جست‌وجوگر عیوب مردم را خارج از ولایت الهی و اسیر ولایت شیطانی می‌شمارد، می‌فرماید: «باید معالجه باطن را بکنیم و مرض قلب را علاج نماییم. از احادیث ظاهر می‌شود که همان‌طور که سستی ایمان و عدم خلوص آن، موجب مفسد اخلاقی و اعمالی می‌شود، این مفسد نیز موجب نقصان ایمان بلکه زایل شدن آن، می‌شود و این مطابق با نوعی از برهان است» (۲۰).

بنابراین تأثیرگذاری و تأثیرپذیری ایمان و اخلاق آدمی یک واقعیت انکارناپذیر است، زیرا قلب سلیم و سالم با اخلاص الهی تقویت یافته و به کمال می‌گراید و از طرفی رفتار و منش شایسته هر انسانی در گرو ایمان و التزام قلب به شریعت انبیا است. بنابراین جای تردید نیست که مزاحمان اعتبار و آبرو و آرامش مردم، بهره‌ای مطلوب از ایمان و اخلاص ندارند و از

استثنائاتی وجود داشته باشد. همچنین هنگامی که موضوعی از حیطة تجسس بیرون باشد، نمی‌توان همان دیدگاه جاسوس بودن را به فرد نسبت داد. با توجه به آنچه در آیات بیان می‌شود و به عنوان مبنایی برای حرام بودن تجسس در نظر گرفته می‌شود، ورود مخفیانه به خانه دیگری، در زمره امور ناپسند است و در آیه شریفه زیر به آن اشاره شده است:

«و لیس البرُّ بَأَن تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ أَتَىٰ وَ اتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ابْوَابِهَا» (۵) و یا در آیه دیگری می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَ تَسَلَّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا» (۵).

با توجه به آیات علما و فقها حکم می‌دهند که ورود به منزل دیگری می‌تواند مصداق تجاوز باشد و ممنوع است. بنابراین هر شخصی می‌تواند در مقابل این عمل قبیح بایستد و از خود مقاومت نشان دهد. در این باره حتی بین علمای شیعی و سنی توافق وجود دارد که ورود به منزل دیگری بدون کسب اجازه مصداق نقض حقوق شهروندی است و فرد می‌تواند در برابر این تجاوز مقاومت کند و حقوق خود را بازستاند. حتی این حکم تا جایی است که اگر با سنگ‌ریزه به شخص متجاوز حمله شود و یا حتی به جراحت، زخمی شدن و مرگ متجاوز ختم شود، صاحب خانه مقصر شناخته نمی‌شود (۱۹).

۴. جلوگیری از رسوایی شهروندان

جاسوسی هدفی برای رسوا کردن مؤمنان در جامعه اسلامی ندارد، بلکه به دنبال آن است تا بتواند با رعایت حریم خصوصی شهروندان و رأفت و عطوفت، زشتی‌های جامعه را بپوشاند. سیاست‌مداران شیعی از جمله بنیان‌گذار جمهوری اسلامی از غیرت خداوند یاد کرده و هتک مستور مؤمنان را، هتک ناموس الهی برمی‌شمارند. تردیدی نیست که ورود در حریم خصوصی مردم، خواه ناخواه سبب هتک حیثیت آنان خواهد شد، زیرا زشتی‌های پنهان انسان‌ها در این حرکت باطل آشکار می‌گردد و آنان نمی‌توانند مانند گذشته در موقعیت اجتماعی یا شغلی‌شان قرار بگیرند. از آنجا که خداوند سایر عیوب یا پوشاننده زشتی‌های بندگان است، اخلاق اجتماعی اسلام اقتضا می‌کند که مؤمنان مظهر ستارالعیوب باشند و از

فساد در جمعیت بدواند و درخت نفاق و دورویی ایجاد کند و وحدت و اتحاد جامعه را گسسته نماید.

سیره رسول گرامی اسلام (ص) نشان می‌دهد که فرمان‌های الهی یا مأموریت‌های رسول اکرم (ص) که بر محور توحید و الفت و اتحاد انسان‌ها قرار گرفته است، هرگز با شیوه ناپسند تجسس در حریم خصوصی دیگران سازگاری ندارد. پیامبر اسلام (ص) با اعلام این حقیقت، سیره کریمانه خود را از رویه منفی و خسران‌آمیز پیراسته می‌نماید و می‌فرماید: «إِنِّي لَمْ أُؤْمَرْ أَنْ أَتَقَبَّ عَنْ قُلُوبِ النَّاسِ وَلَا أَشَقَّ بَطُونَهُمْ». «من مأمور نیستم که دل‌های مردم را بکاوم و درونشان را بشکافم» (۲۲).

رسول خدا (ص) در واقع به مسلمانان تعلیم می‌دهد که آنان رخصت ندارند که به نام دین و صیانت از ارزش‌های اخلاقی - اجتماعی اسلام، مرتکب گناه گشته و به هتک حیثیت دیگران بپردازند. وقتی که پیامبر (ص) تفتیش عقاید را نمی‌پسندد و آشکارسازی باطن مردمان را روا نمی‌داند، روشن است که کمترین دخالت و کنجکاوای در حریم خصوصی مردم با آرمان‌های بعثت ابراهیمی او ناسازگار است. گفتنی است که مسلمانان تربیت‌یافته در مکتب پیامبر (ص) و قرآن کریم، بدین امر مهم پی برده بودند. حتی کسانی که دچار خطا و گناه شده بودند، می‌دانستند که اسلام به هیچ مسلمان یا کارگزاری اجازه ورود به خانه او را نمی‌دهد، زیرا قانون تکلیف هرکس را مشخص و معلوم کرده و نیازی به دخالت‌های ناروا نیست. آیه ۴۱ سوره مائده همین مسأله را مورد توجه قرار می‌دهد و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنُ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ». «ای فرستاده ما، کسانی که در کفر (میل به کفر و یاری کفر) می‌شتابند تو را غمگین مسازند، چه آنان که به زبانشان گفتند ایمان آوردیم و دل‌هایشان ایمان نیاورده (منافقان) و چه آنان که یهودی هستند. آنها سخت شنونده دروغ و سخت گوش به فرمان گروهی دیگرند (به قصد جاسوسی) که به نزد تو نیامده‌اند (۵).

طرف دیگر استمرار جفاپیشگی و حریم‌شکنی آنان، سبب نقص و زوال ایمان خواهد گشت.

۵. محرومیت از دوستی مردم

هنگامی که جاسوسی هدفی جز تأمین امنیت برای مردم و شهروندان داشته باشد، نتیجه‌ای جز محرومیت از دوستی با مردم و قطع روابط دوستانه در جامعه ندارد. بدین ترتیب، از پیامدهای ناگوار و زیان‌بار جست‌وجوگری در احوال خصوصی مردم، این است که شخص بی‌پروا و کنجکاو، دوستان خود را از دست می‌دهد، زیرا هیچ دوستی نمی‌پسندد که دیگری در حریم خصوصی‌اش، تفتیش کند و به ویژه در پی عقیده‌های پنهانی او باشد. امام صادق (ع) در این باره به مسلمانان هشدار می‌دهد و آنان را از قطع پیوندهای دوستانه برحذر می‌دارد: «لَا تَفْتَشِ النَّاسَ عَنْ أَدْيَانِهِمْ فَتَبْقَى بِلَا صَدِيقٍ»؛ «از دین و آیین مردم پرس‌وجو مکن که بی‌دوست می‌مانی» (۲۱). یکی از آثار سوء تجسس، افزون بر گسستن پیوندهای اجتماعی، رشد اخلاق مبتنی بر خودخواهی و استکبارطلبی انسان است. عیب‌جویان در جامعه آتش حسادت را برمی‌افروزند و کینه‌توزی و ستیزه‌جویی را رواج می‌دهند و نفرت و دشمنی را جایگزین محبت و تعاون و مدارا می‌سازند و افراد را به سمت ریا و تظاهر و نفاق اجتماعی سوق می‌دهند. در چنین جامعه‌ای چگونه می‌توان انتظار اتحاد و انسجام داشت؟ بی‌گمان بدبینی‌ها و اضطراب‌ها و بی‌اعتمادی‌ها و بدنام‌سازی‌ها، مجال نمی‌دهد که دل‌ها گرایش دوستانه و صمیمانه داشته باشند.

یکی از مقاصد بزرگ شرایع و انبیای عظام، سلام‌الله علیهم، که علاوه بر آنکه خود مقصود مستقل است، وسیله پیشرفت مقاصد بزرگ و دخیل تام در تشکیل مدینه فاضله می‌باشد، توحید کلمه و توحید عقیده است. این مقصد بزرگ انجام نگیرد؛ مگر در سایه وحدت نفوس و اتحاد همم و الفت و اخوت و صداقت قلبی و صفای باطنی و ظاهری؛ و افراد جامعه طوری شوند که نوع بنی‌آدم تشکیل یک شخص دهند و جمعیت به منزله یک شخص و افراد به منزله اعضا و اجزای آن باشد. پرواضح است که این عمل اگر رایج شود در بین جمعیتی، موجب کینه و حسد و بغض و عداوت شده و ریشه

نتیجه‌گیری

دارای شرایط و ضوابطی است که از جمله آن حفظ اسرار مردم به مثابه یک امانت، حفظ رابطه دوستی با آنان و در نظر گرفتن الفت و عطف اسلامی است.

جاسوسی از دو جهت در ارتباط با حقوق شهروندی قرار دارد؛ از جهت ایجابی به معنای به‌کارگیری روش‌های مناسب و عادلانه برای برقراری امنیت عمومی در جامعه اسلامی و ایجاد آرامش و دوستی در جامعه و از جهت سلبی یعنی نفی اسرار جامعه اسلامی و مقابله با کسانی که با استفاده از ابزارهای جاسوسی، امنیت جامعه و اسرار آنان را فاش می‌کنند، قابل توجه است. به طور کلی این نگاه در سیره رسول گرامی اسلام (ص)، ائمه معصوم (ع) و مذاهب خمس به انحاء گوناگون مورد توجه قرار گرفته است، هرچند در بیان مصادیق و مؤلفه‌ها دارای تفاوت‌هایی با یکدیگر هستند. جاسوسی از حیث ایجابی و در آیات و روایات، سیره رسول گرامی اسلام (ص) و همچنین در نزد فقها و اسلام‌شناسان، در صورتی که بتواند امنیت عمومی را برای شهروندان تأمین نماید و ضرری برای دیگران ایجاد ننماید، موافق حقوق شهروندی و تکمیل‌کننده آن است، زیرا در اسلام، حفظ نظام و کیان اسلامی و همچنین مقابله با تهدیدات درونی و بیرونی یک اصل اساسی است. ضمن اینکه مقابله با این تهدیدات می‌تواند امنیت و آسایش را برای شهروندان پدید آورد، اما این عمل نباید به گونه‌ای باشد که تجسس در امور شخصی افراد را به ذهن متبادر سازد، زیرا این مسأله با آموزه‌های دینی موافق نیست و مرکز ثقل اسلام که سیره رسول گرامی اسلام (ص) و آیات قرآن است، بر پرهیز از دخالت در زندگی دیگران و جلوگیری از تضييع حقوق شهروندان متکی است. بنابراین هنگامی که قانون بر مبنای رضایت مردم و حرکت در چارچوب شرع تعیین شده است، نمی‌توان بر مبنای خودسری و سلیقه‌ای، امور شهروندان را نظاره نمود. جاسوسی نزد مذهب خمس معطوف به نظارت بر عملکرد تهدیدات درونی و بیرونی نیست، بلکه نظارت بر عملکرد مدیران و حاکمان می‌تواند باعث تحقق حقوق شهروندی و رسیدگی به امور شهروندان گردد. هنگامی که با بهره‌گیری از نظارت پنهان بر عملکرد مدیران می‌توان حق و حقوق مردم را به شکل مؤثرتری پیش برد، بخش مهمی از حقوق شهروندان دست یافتنی است و جلوی فسادهای گسترده و سیستماتیک گرفته می‌شود. به علاوه جاسوسی

References

1. Ebn Manzoor. M.M. Lisan -Alarab. Beirute: Daralehya Alteras Alarabia; 1990. p. 38.
2. Ravas Ghaleji. Almosoeh Jurisprudence. Beirute: Publisher Daralnefas; 1994. p. 161.
3. Ebn Abedin. M.A. Rad Almohktar. Kuwait: Ministry of Endowments and Islamic Values; 2000. p. 249.
4. Nash. K. Contemporary political Sociology: Globalization, Politics and power. Trans by: Delforouz. M. T. Tehran: Publisher Kavir; 2000. p. 45.
5. Quran Holly: Hojarat 12; Noor 19; Anfal 27; Hojarat 49; Baghareh 289. Enfal 60.
6. Tabarsi. M.H. Majmaalbayan. Qom: Publisher AlAlbeit; 1998. p. 217.
7. Aboodavoud. S.A. Sonan Abi Davood. Corrceted by: Abdolghader. M. Qom: Publisher Daralhadith; 1990. p. 47.
8. Tabarsi. M. H. Alehtejaj. Tehran: Publisher Islamieh; 2003. p. 217.
9. Hore Ameli. M.H. Vesael Alshieh. Qom: Publisher Alalbeit; 1996. p. 77.
10. Sajestani. A. Y. Kashf Al mahjoob. Tehran: Publisher Tahouri; 1986. p. 218.
11. Sheik Mofid. M.M. Ershad in Cognoition. Qom: Publisher Al-Albeit; 1990. p. 56.
12. Makarem Shirazi. N. Nemoneh Interpretation. Tehran: Publisher Daralkoto Islamieh; 1995. p. 11.
13. Kharazi. M. Jurisprudence Rule Investigation. Journal Ahl Beit Jurisprudence. 2001: 1 (26); pp. 191-142. p. 84.
14. Imam Ali (A). Nahjalbalgheh. Corrected by: Shahidi. J. Qom: Publisier mashhor; 2000.
15. Gharshi. A.A. Quran Ghamoos. Tehran: Dararketab Al iSlamieh; 1990. p. 263.
16. Feiz Kashani. M. Alasfi in Quran Interperation. Qom: Publisher Islamic Propaganda; 2000. p. 96.
17. Kolini. A.M. Alkafi. Tehran: Publisher Daralsaghalein; 1991. p. 354.
18. Tabatabie. M.H. Almizan. Qom: Publisher Islamieh; 1996. p. 214.
19. Najafi. M. H. Jawaher Alkalam. Qom: Publisher Jamee Modarresin Howzeh Elmieh; 1986. p. 43.
20. Mousavi Khomieni. R.A. Explain Fourty Hadis. Publisher Imam Khomein; 1986. p. 306.
21. Majlesi. M.B. Baharalanvar. Beirute: Publisher Daralehya Alteras Alarabia; 1993. p. 253.
22. Motaghi Hendi. A.A. Kanzalemal. Beirute: Publisher Dararketab AlAlmieh; 1987. p. 311.